

## ارزیابی و سطح‌بندی مناطق شهری از لحاظ توسعه‌یافتگی فرهنگی با تلفیق عملگر فازی GIS و Spss (نمونه موردی: مناطق چهارگانه شهر ارومیه)

تاریخ دریافت مقاله: ۹۶/۰۳/۰۲ تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۹۶/۰۷/۱۰

سعید ملکی (استاد تمام گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه شهید چمران اهواز، ایران)  
عظیم علی شائی (استادیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه پیام نور، ایران)  
قاسم فرهمند\* (دانشجوی دکتری آب و هواشناسی شهری، دانشگاه شهید بهشتی تهران، ایران)

### چکیده

یکی از بحث‌انگیزترین مباحث به‌ویژه در جوامع در حال توسعه، موضوع فرهنگ و توسعه آن است. توسعه به عنوان فرایندی چند بعدی، تلاشی برای بهبود زندگی مادی و معنوی انسانی، و فرهنگ، به‌منزله بنیان زندگی فکری و معرفتی جامعه محسوب می‌شود. ارتباط متقابل این دو امکان رشد توانایی‌های انسان را فراهم می‌آورند. توسعه فرهنگی زیربنای توسعه پایدار شمرده می‌شود. لذا توسعه شهری زمانی پویا خواهد بود که در ارتباط نزدیک با توسعه فرهنگی و در واقع بخشی جدایی‌ناپذیر از آن باشد. در این راستا هدف از این مقاله بررسی چگونگی یا نحوه برخورداری مناطق چهارگانه شهر ارومیه از لحاظ شاخص فرهنگی، به‌منظور دستیابی به میزان نابرابری‌های ناحیه‌ای می‌باشد. با توجه به مؤلفه‌های مورد بررسی، رویکرد حاکم بر این پژوهش «توصیفی - کمی و تحلیلی» است. جامعه آماری پژوهش، مناطق چهارگانه شهر ارومیه را شامل می‌شود که برای تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش آزمون‌های (ANOVA, Independent-) (samples T test, Tukey HSD) در نرم‌افزار SPSS، و همچنین عملگر (Gama Fuzzy) در نرم‌افزار Arc GIS استفاده شده است. نتایج مطالعه حاضر حاکی از آن است که منطقه ۳ و ۴ شهر ارومیه با میانگین (۲۴/۳۸ و ۲۴/۰۸) به‌عنوان گزینه برخوردار، از اولویت بهتر توسعه نسبت به دو منطقه دیگر برخوردار هستند، و مناطق ۱ و ۲ به ترتیب با میانگین (۲۱/۴۶ و ۲۲/۷۴). به‌عنوان مناطق محروم از لحاظ توسعه فرهنگی شناخته می‌شوند. البته این امر در عملگر (Gama ۰/۷) با جزئیات دقیق‌تری نشان داده شده است که همگی مبین وجود نابرابری‌های ناحیه‌ای موجود در شهر ارومیه است.

**واژه‌های کلیدی:** شاخص فرهنگی، توسعه‌یافتگی فرهنگی، آزمون تی، تحلیل واریانس، شهر ارومیه.

## مقدمه و بیان مسئله

از پایان جنگ جهانی دوم به این سو، توسعه به عنوان یکی از مهم ترین مسائل در محافل دانشگاهی و برنامه ریزی کشورها مطرح بوده، به نحوی که در دهه پایانی قرن بیستم، اغلب کشورها به بازنگری وضعیت خود در این خصوص پرداخته اند. نهادهای مرتبط با توسعه با استفاده از شاخص ها و الگوهای خاص، به تعیین درجه توسعه یافتگی کشورها مبادرت نموده اند. اما مسئله مهم این است که مفهوم توسعه معنای ثابتی نداشته و در دهه اخیر دچار تغییراتی شده است. اغلب نظریاتی که در دهه های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ مطرح شد، توسعه را به عنوان دستیابی به میزان بالای نرخ رشد اقتصادی معرفی کرده اند (تودارو، ۱۳۶۶: ۱۷). در دهه ۱۹۷۰ با انتقاد از این نظریه ها، مفهوم توسعه به کاهش یا از میان رفتن فقر، بیکاری، نابرابری و تغییرات اساسی در ساخت اجتماعی گرایش پیدا کرد. در مبنای جدید توسعه، راه ورود انسان و جنبه های زندگی او در نظر گرفته شد و به این نتیجه رسیدند که محتوای اصلی آن، تأمین نیازهای اساسی، بهبود بخشیدن به شرایط زندگی افراد و جامعه است (زیاری، ۱۳۷۹: ۹۴). از نظر مؤمنی توسعه عبارت است از حرکت از وضعیت موجود به وضعیتی که در آن فرصت و امکانات بیشتری برای کاربرد مؤثر منابع فراهم آمده است (مؤمنی، ۱۳۸۷: ۸). توسعه و تعاریف متعددی که از آن شده، پس از جنگ دوم جهانی عمومیت یافته و دیرزمانی نگذشته که به عنوان مفهوم کانونی در علم جامعه شناسی درآمده است. بدیهی است مفهومی با این گستردگی، محل اختلاف اندیشمندان هم باشد. مایکل تودارو معتقد است که توسعه جریانی چندبعدی است و مستلزم تغییرات جدی و اساسی در ساختار اجتماعی، طرز تلقی عامه مردم و نهادهای ملی و همچنین تسریع رشد اقتصادی، کاهش نابرابری و ریشه کن کردن فقر مطلق است. در واقع توسعه باید نشان دهد که مجموعه نظام اجتماعی هماهنگ با نیازهای متنوع اساسی و مطالبات افراد و گروه های اجتماعی در درون سیستم، از حالت نامطلوب زندگی گذشته خارج شده و به سوی وضع یا حالتی از زندگی که از نظر مادی و معنوی بهتر است سوق می یابد (تودارو، ۱۳۶۶: ۱۳۵). امروزه در اغلب کشورها، به استثنای دولت های کوچک که فقط شامل یک یا دو منطقه می باشند، نه مرزهای ملی و نه مرزهای واحدهای اداری محلی بر واقعیت های بنیادی اقتصادی و فرهنگی متکی نیستند. نتیجه این تقسیم بندی، ناتوانی تمرکز بر نواحی محلی و پراکندگی و عدم انسجام حلقه ها و ناهماهنگی تلاش ها است که به قهقرا یا تخریب حیات اجتماعی منجر شده است (مامفورد، ۱۳۹۳: ۵۵۸). فراهم آوردن زندگی مناسب برای تداوم آحاد جامعه، خواست و

آرزوی دیرینه‌ای بوده که مدت‌هاست در سرلوحه اهداف و برنامه‌ریزی‌های گوناگون کشورها قرار گرفته و امروزه هیچ برنامه‌ای بدون هدف و دستیابی به توسعه تنظیم نمی‌شود؛ لذا تحقق این واقعیت انکارناپذیر و ضروری عصر حاضر به ابزارهای مناسبی نیاز دارد (احمدی و دیگران، ۱۳۹۳: ۷۷). این امر بدان معناست که سازمان‌دهی مجدد فرهنگی یک منطقه، بخش اساسی وظیفه مدیریتی و سیاسی است. منطقی‌ترین طرح‌های ما در انتظار فشارهای برانگیزاننده‌ی اهداف و آرزوها و تمایلات انسانی است (مامفورد، ۱۳۹۳: ۵۵۸). امروزه پس از گذشت هزاران سال انسان‌ها دریافته‌اند که برای زندگی در شهری آرام و پیشرفته باید توجهی بیش‌ازپیش از بعد فرهنگی به آن معطوف شود. بر همین اساس در سه دهه اخیر توجه قابل‌توجهی به بعد فرهنگی توسعه شهری صورت گرفته است. این توجه البته امروزه به‌عنوان یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر از سوی نهادهای ملی و بین‌المللی مورد تأکید قرار می‌گیرد که بخشی از آن حاصل بن‌بست رسیدن راهکارهای اقتصادی و سیاسی در توسعه شهری بوده است (صافی، ۱۳۹۳: ۵۴). همان‌گونه که روند توسعه‌یافتگی در کشورهای مختلف جهان دارای سطوح متفاوتی است، در داخل یک کشور نیز میزان توسعه‌یافتگی در بین نواحی و مناطق مختلف یک کشور نیز از سطوح یکسانی برخوردار نیست و حتی در داخل یک شهرستان نیز روند توسعه‌یافتگی باهم برابر نمی‌باشد (رستگار، ۱۳۸۹: ۱). نکته مهم این است که وقتی از نابرابری امکانات و خدمات شهری سخن رانده می‌شود، نه‌فقط باید به عدالت محیطی بلکه به ارتباط و پیوستگی آن با مفاهیم توسعه اجتماعی و سیاسی نیز توجه شود که در سال‌های اخیر هم، گفتمان جهانی آن روندی بارز بوده است (United Nations, 2006; 14). امکانات بالقوه مناطق و عوامل مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، و... توسعه‌یافتگی ممکن است در بخش‌های مختلف صنعتی، کشاورزی، آموزشی و فرهنگی و سایر بخش‌ها با یکدیگر متجانس و یکسان نباشد. این امر به‌نوبه خود لزوم برنامه‌ریزی و ساماندهی فضایی را برای ایجاد تعادل در روند توسعه ضروری می‌نماید (لطفی، ۱۳۹۳: ۱۴۵). با ناکام ماندن سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های توسعه‌ای مبتنی بر الگوی توسعه غرب و ملزومات فرهنگی آن در کشورهای درحال توسعه و توسعه‌نیافته که عمدتاً در قالب فرهنگ توسعه مطرح بوده، به تدریج زمینه برای به‌کارگیری الگویی متناسب با فرهنگ جوامع مختلف توسط نهادها و سازمان‌های درگیر امر توسعه مهیا می‌شود، به‌گونه‌ای که سازمان یونسکو دهه (۱۹۸۷-۱۹۹۷) را دهه توسعه فرهنگی اعلام نموده است. با اعلام دهه جهانی توسعه فرهنگی، به تدریج زمینه دستیابی به الگویی متناسب با شرایط فرهنگی و تاریخی-

اجتماعی جوامع به اصطلاح عقب مانده فراهم می‌شود و به جای پذیرش الگویی واحد از توسعه و پیش فرض‌های نظری و فرهنگی آن، سعی می‌شود متناسب با بافت تاریخی- فرهنگی جوامع مختلف، الگویی سازگار با این بافت توصیه شود (افروغ، ۱۳۷۹: ۶۴). بدین سان توجه به مقوله فرهنگ و توسعه فرهنگی در الگوهای توسعه در سطوح مختلف ملی، منطقه‌ای، محلی اهمیت فراوانی دارد. لذا پژوهش حاضر برای رسیدن به توسعه متعادل در مناطق شهری ارومیه، به دنبال شناخت و موقعیت و چگونگی توزیع امکانات توسعه شاخص‌های انتخابی فرهنگی در مناطق مختلف است. برای دستیابی به این مهم با بهره‌گیری از تکنیک‌های رایج در برنامه‌ریزی از جمله (تحلیل واریانس و عملگر Gama) تجزیه و تحلیل شاخص‌های مورد نظر در توسعه، تعیین عوامل مؤثر در توسعه مناطق و سطح بندی هر کدام از آن‌ها صورت گرفته است.

### اهداف تحقیق

از اهداف اصلی این پژوهش، بررسی و شناخت وضعیت موجود مناطق شهر ارومیه از نظر امکانات و فضاهای تأثیرگذار بر رشد و توسعه فرهنگی و شناسایی نابرابری‌ها و تفاوت‌های بین مناطق از نظر سطح برخورداری از شاخص توسعه فرهنگی و رتبه بندی مناطق بر اساس شاخص‌های مزبور می‌باشد. تا در قالب توسعه‌ی منطقه‌ای و از طریق تعیین درجه توسعه نیافتگی، وضعیت امکانات فرهنگی ارائه شده در مناطق شهری مشخص شود.

### فرضیه‌های پژوهش

- ✓ به نظر می‌رسد از لحاظ توزیع شاخص‌های تأثیرگذار در توسعه فرهنگی در سطح مناطق چهارگانه شهر ارومیه اختلاف وجود دارد
- ✓ به نظر می‌رسد از لحاظ توسعه فرهنگی بین مناطق شهری اختلاف وجود دارد

### پیشینه پژوهش

پژوهش‌های زیادی در خصوص سنجش نابرابری‌های منطقه‌ای در سطح جهانی و ملی صورت پذیرفته است که گزارش توسعه‌ی جهانی سال ۲۰۰۹ از آن جمله می‌باشد. همچنین گاسریژن<sup>۱</sup> (۲۰۰۴) در پژوهشی تحت عنوان مشکلات موجود در رشد و توسعه

<sup>۱</sup>. Gasratian

فرهنگی روسیه، به شناخت مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار در توسعه فرهنگی کشور روسیه پرداخته است. کارول رزنستاین (۲۰۱۱) در مقاله خود «توسعه فرهنگی و محله‌های شهری» به بیان چهار ویژگی سیاست توسعه فرهنگی می‌پردازد و به استدلال تأثیر این ویژگی‌ها در توسعه فرهنگی و زندگی فرهنگی محلات می‌پردازد. در ایران نیز همچون اکثر کشورهای در حال توسعه در زمینه‌های فرهنگی یک یا دو منطقه و یا نهایتاً چند منطقه تحقیقات و پژوهش‌های انجام‌گرفته است که در آن بین می‌توان به تحقیقات (زیاری، ۱۳۷۹) تحت عنوان «سنجش درجه توسعه‌یافتگی فرهنگی استان‌های ایران»، همچنین ایزدی (۱۳۹۲) در مقاله‌ای تحت عنوان «تحلیلی بر سطح توسعه فرهنگی شهر اصفهان با استفاده از روش تحلیل عاملی» به سنجش نابرابری ناحیه‌ای مناطق شهری اصفهان با استفاده از تکنیک تحلیل عاملی پرداخته است و نشان می‌دهد که توزیع امکانات و فضاهای فرهنگی در بین مناطق متعادل نیست. مشکینی (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان «سطح‌بندی شهرستان‌های استان زنجان بر اساس شاخص‌های توسعه فرهنگی با استفاده از مدل تاپسیس» به سطح‌بندی شهرستان‌های استان زنجان از بعد توسعه فرهنگی پرداخته و طی بررسی نشان می‌دهد بین شهرستان‌های استان زنجان از نظر فضاها و امکانات فرهنگی تفاوت چشم‌گیری وجود دارد، و یا (رحمتی، ۱۳۸۵) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل شاخص‌های توسعه فرهنگی استان‌های کشور»، همچنین (مولایی، ۱۳۸۶) در مقاله‌ای با عنوان «مقایسه‌ی درجه توسعه‌یافتگی بخش خدمات و رفاه اجتماعی استان‌های ایران». به سنجش و ارزشیابی شاخص‌های توسعه‌یافتگی و نشان دادن سطوح توسعه استان‌ها از نظر بهره‌مندی فضاها و امکانات از جمله امکانات فرهنگی آن پرداخته‌اند.

## مبانی نظری

### فرهنگ<sup>۱</sup>

فرهنگ یک اصطلاح دارای بار ارزشی است. طبق این تعریف، فرهنگ می‌تواند شامل سیستم‌های تکنولوژی‌های عمومی، مؤسسات علمی، برنامه‌های اجتماعی، محیط، ورزش‌های تفریحی، فعالیت‌های میراثی و هنری، صنایع حمل‌ونقل، فعالیت‌های مذهبی و معنوی باشد (فاضل نیا و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۵۳). زویدی می‌گوید: فرهنگ شامل تمامی عادات یک جامعه است یا اگر جامعه را مجموعه افرادی سازمان‌یافته بدانیم که شیوه

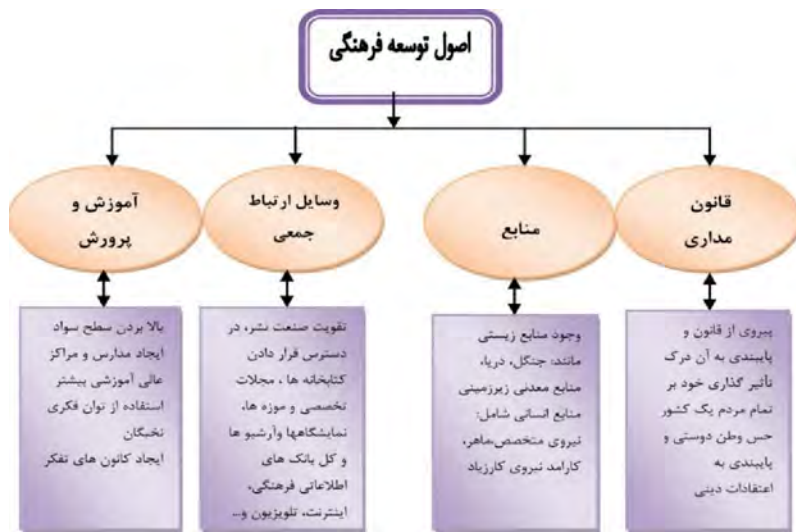
<sup>1</sup> . cultural

زندگی خاصی دارند در این صورت فرهنگ یعنی همان شیوهی زندگی (ضرابی و دیگران، ۱۳۹۱: ۴۹) در واقع فرهنگ ارزش‌ها و هنجارهای سیستمی است که در بین افراد جامعه وجود دارد و در فعالیت‌های اقتصادی، خود را نشان می‌دهد (اکبری‌ان، ۱۳۸۶: ۲۳).

## توسعه فرهنگی<sup>۱</sup>

مفهوم فرهنگ برای اولین بار توسط مردم‌شناس انگلیسی، ادوارد بارنت تایلور در سال ۱۸۷۱ به کار رفت که آن را مجموعه‌ای از: دانش‌ها، باورها، هنر، قوانین و اخلاق و آداب و رسوم می‌داند. ولی مفهوم توسعه فرهنگی از اوایل دهه ۱۹۸۰ به بعد توسط یونسکو به‌عنوان یک سازمان فرهنگی در مباحث توسعه مطرح شده است. توسعه فرهنگی از ابعاد و بار ارزشی بیشتری نسبت به سایر بخش‌های توسعه همانند توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی برخوردار است و بیشتر بر نیازهای غیرمادی افراد جامعه تأکید می‌کند. در تعریف دیگری از توسعه فرهنگی: توسعه فرهنگی دگرگونی است که از طریق تراکم برگشت‌ناپذیر عناصر فرهنگی در یک جامعه معین صورت می‌گیرد و بر اثر آن جامعه کنترل مؤثر بر محیط طبیعی و اجتماعی اعمال می‌کند. (ازکیا، ۱۳۸۰: ۲۰). در بعد پایداری فرهنگی، فرهنگ روابط انسان با طبیعت و محیط تعریف شده است، همچنین نگرش‌ها و باورهای فردی و اجتماعی در ارتباط با حفظ محیط‌زیست و پاسداری از ارزش‌ها و نهادها بیان می‌شود. فرهنگ را می‌توان متشکل از ارزش‌های گروهی معین و هنجارهایی دانست که از آن پیروی می‌کنند و کالایی مادی پدید می‌آید. فرهنگ با زندگی شهری بالیده و راه تکاملی پیموده است. شهر واقعی فارغ از زمان و مکان بدون فرهنگ بی‌معنا است. همه عناصر شهری به‌طور مستقیم و غیرمستقیم از فرهنگ متأثر می‌شوند و در مواردی بر آن اثر نیز می‌گذارند. برنامه‌ریزان شهری به هنگام برخورد با فرهنگ شهری از رابطه ارزش‌ها، هنجارها، روابط انسانی و ساختار شهر و بالاخره برنامه‌ریزی شهری یاد می‌کنند (لطیفی، ۱۳۸۳: ۱۶). توسعه فرهنگی را می‌توان فراهم آوردن امکانات آفرینندگی فرهنگی و هنری بر پایه مشارکت تمامی افراد جامعه توصیف کرد که به فرد برای جستجوی خلاقیت کمک می‌کند. اندیشه توسعه فرهنگی در واقع دارای معیارهایی است که در جدول زیر به شرح آن پرداخته شده است.

<sup>۱</sup> . Educational development



شکل ۱: روند توسعه پایدار فرهنگی  
 مأخذ: مطالعات نگارندگان، ۱۳۹۴

به عبارتی دیگر توسعه فرهنگی فرآیندی کیفی و ارزشی است که برای ارزیابی آن از نشانگرهای کمی در برنامه‌ریزی فرهنگی برای دستیابی به اهداف توسعه در قالب کالا و خدمات استفاده می‌شود و در این بین آنچه مهم است، برنامه‌ریزی در مورد ماهیت و محتوای فعالیت‌ها و خدمات فرهنگی است که به‌طور عموم از طریق ابزارهای فرهنگی حاصل می‌شود. بدیهی است میان بعد کمی و کیفی فرهنگ ارتباط دوسویه برقرار است؛ بعد کمی توسعه فرهنگی شامل افزایش شمارگان کتاب، تأسیس کتابخانه، تأسیس موزه‌ها، فضاهای فرهنگی و... بوده و بعد کیفی آن تقویت دینی و فرهنگی، پاسداری از آداب و رسوم و میراث فرهنگی غیرمادی می‌باشد. در واقع تنها با به‌کارگیری و استفاده منطقی و مطلوب از خدمات و کالاها و ابزارهای فرهنگی امکان ارتقاء سطح کیفی فرهنگ امکان‌پذیر است (Varbanova, 2007: 9). فرهنگ به‌طور ساده عبارت است از کنش متقابل میان انسان‌ها؛ بنابراین هر فرد بالقوه می‌تواند در فرهنگی که با دیگران اشتراک دارد، تغییر ایجاد کند و تغییر به‌عنوان پدیده‌ای فرهنگی همواره مطرح بوده است. بنابراین جغرافیای فرهنگی، به مطالعه فضایی گروه‌های فرهنگی و عملکرد فضایی جامعه می‌پردازد (فنی، ۱۳۸۸: ۴۱). شهر نیز پدیده‌ای فرهنگی به شمار می‌رود و بنابراین باید از دیدگاه جغرافیای فرهنگی به شهر نگریست. جغرافیای فرهنگی از یک‌سو به بررسی روابط، اثرات و کنش‌های متقابل انسان یا گروه‌های انسانی باش چشم‌انداز طبیعی- زیستی، از نظر

شکل‌دهی و شکل‌گیری آن به چشم‌اندازهای فرهنگی می‌پردازد و از سوی دیگر پی‌آمدهای روابط او را با همین چشم‌انداز فرهنگی خودساخته بیان می‌کند. از این رو تبیین پراکندگی مکانی، روابط مکانی پدیده‌ها و عناصر فرهنگی، که بر اثر رفتار گروه‌های انسانی در محیط ایجاد شده‌اند و یا می‌شوند در قلمرو این علم قرار دارند (حاتمی نژاد و همکاران، ۱۳۸۵: ۲۷). با این وجود در پژوهش حاضر دو بعد کیفی و کمی توسعه فرهنگی مدنظر است، توسعه فرهنگی جوامع با توجه به تحول و گسترش شاخص‌های مربوط به آن ارزیابی و در قالب‌های کمی اندازه‌گیری می‌شود. شاخص‌های توسعه فرهنگی مهم‌ترین ابزارهای برنامه‌ریزی فرهنگی در منطقه خاصی از یک جامعه هستند. در این پژوهش از شاخص‌های توسعه فرهنگی برای سطح‌بندی مناطق استفاده شده است.

### قلمرو مورد مطالعه

شهرستان ارومیه یکی از شهرستان‌های چهارده‌گانه استان آذربایجان غربی است که در قسمت میانی استان قرار گرفته است. شهرستان ارومیه از شمال به شهرستان سلماس، از جنوب به شهرستان نقده و مهاباد، از شرق به دریاچه ارومیه و از غرب به مرز ایران و ترکیه محدود می‌شود. شهر ارومیه مرکز شهرستان و نیز مرکز استان آذربایجان غربی است که در فاصله ۱۸ کیلومتری دریاچه ارومیه، در مختصات ۴۵ درجه و ۴ دقیقه طول شرقی از نصف‌النهار گرینویچ و ۳۷ درجه و ۳۳ دقیقه عرض شمالی از مبدأ خط استوا در داخل جلگه‌ای به طول ۷۰ کیلومتر و به عرض ۳۰ کیلومتر قرار گرفته است. این شهر در آخرین سرشماری ارائه شده از سوی مرکز آمار ایران دارای جمعیتی بالغ بر ۶۸۰۰۰۰ نفر می‌باشد که در مجموع در چهار منطقه از مجموعه مناطق این شهر گسترده شده‌اند. (طرح جامع ارومیه، ۱۳۹۲: ۱).





نقشه ۲: موقعیت جغرافیای محدوده مورد مطالعه  
 مأخذ: ترسیم نگارندگان، ۱۳۹۴

## روش تحقیق

این تحقیق از لحاظ هدف کاربردی - توسعه‌ای بوده و روش بررسی از لحاظ ماهیت، توصیفی- تحلیلی و آماری می‌باشد. جامعه آماری پژوهش، مناطق چهارگانه شهر ارومیه می‌باشد. به بیان دقیق‌تر جامعه آماری پژوهش، با توجه به اینکه جمعیت شهر ارومیه در سرشماری ۱۳۹۰ برابر ۶۸۰۲۲۸ نفر بوده است. بر اساس فرمول کوکران ۳۲۳ نمونه برآورد شده است. با توجه به نمونه‌گیری طبقه‌ای تصادفی، جامعه مورد مطالعه (مناطق شهر ارومیه) که شامل ۴ منطقه بود به طبقاتی به صورت: ۱- فشردگی خیلی زیاد (تراکم بیش از ۱۳۰ نفر در هکتار)، ۲- فشردگی زیاد (تراکم ۱۰۰ تا ۱۳۰ نفر در هکتار)، ۳- فشردگی متوسط (تراکم ۷۵ تا ۱۰۰ نفر در هکتار)، ۴- تا اندازه‌ای گسترده (کمتر از ۷۵ نفر در هکتار) تقسیم شد. سپس به صورت تصادفی به خانوارهای موجود در منطقه‌های طبقه‌بندی شده در هر طبقه پرسشنامه به صورت تصادفی توزیع شد. اطلاعات موردنیاز به طرق مختلف (اسنادی، کتابخانه‌ای و همچنین به صورت میدانی و پرسشنامه‌ای) جمع‌آوری شده است. ضرورت مسئله تحقیق ایجاب می‌نمود که از دو نوع روش بررسی برای نیل به هدف بهتر استفاده شود. به طوری که سنجش میزان دسترسی به شاخص‌های تأثیرگذار در رشد و توسعه فرهنگی، نیازمند بررسی از طریق دسترسی به سایر مراکز می‌باشد. همچنین سنجش میزان توسعه‌یافتگی فرهنگی نیز نیازمند نظرسنجی در بین مناطق

مختلف شهر ارومیه است. لذا برای شاخص سازی و انجام محاسبات از نرم افزارهای Spss و Arc GIS استفاده شده است. شاخص های مورد استفاده در نرم افزار SPSS شامل ۲ شاخص (نوگرایی، استفاده از وسایل ارتباط جمعی) که خود به ۱۶ متغیر تقسیم بندی شده است که در شکل (۳) نشان داده شده است. همچنین شاخص ها و متغیرهای ارزیابی داده های عینی در پژوهش حاضر شامل ۱۱ متغیر تأثیرگذار در رشد و ارتقای سطح فرهنگ در مناطق مختلف می باشد که در نرم افزار Arc gis استفاده شده است. اما در مرحله بعد برای بررسی فرضیه دوم از نرم افزار SPSS استفاده شده به طوری که نخست با استفاده از پرسشنامه های توزیع شده (به طور یکسان) در بین مناطق سعی در جمع آوری اطلاعات مورد نیاز شد. بر اساس آنچه در مدل تحقیقی اشاره شد، پرسشنامه مطرح شده با ۲ گویه (نوگرایی، وسایل ارتباط جمعی) که هر کدام یکی از دلایل گرایش به توسعه فرهنگی می باشد را با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ برای اثبات پایایی آن موردسنجش قرار دادیم و نتیجه آن به صورت ضریب  $0/753$  نمایان گشت که به علت بیشتر بودن آن از ضریب  $0/7$  نشان از قابل اعتماد بودن پرسشنامه و همبستگی درونی بین گویه ها می باشد. در نهایت برای تجزیه و تحلیل داده های پژوهش از روش ها و تکنیک های آماری "آزمون تی، تحلیل واریانس" در نرم افزار SPSS، و همچنین از عملگر "Gama Fuzzy" در نرم افزار Arc GIS استفاده و در نهایت میزان نابرابری ها مشخص شده است.



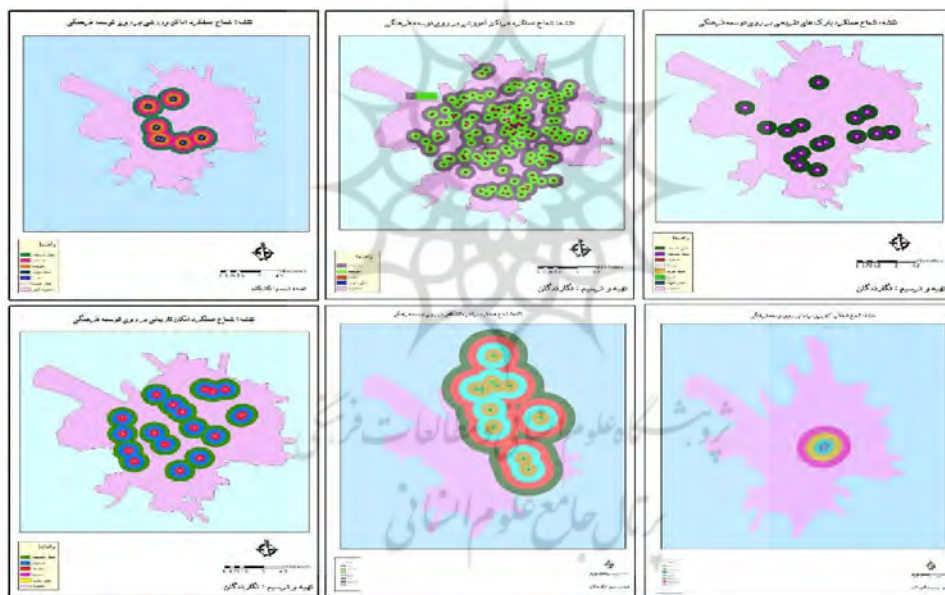
شکل ۳: شاخص ها و متغیرهای توسعه فرهنگی مورد استفاده در نظرسنجی مناطق مختلف شهر

ارومیه منبع: یافته های پژوهش، ۱۳۹۴

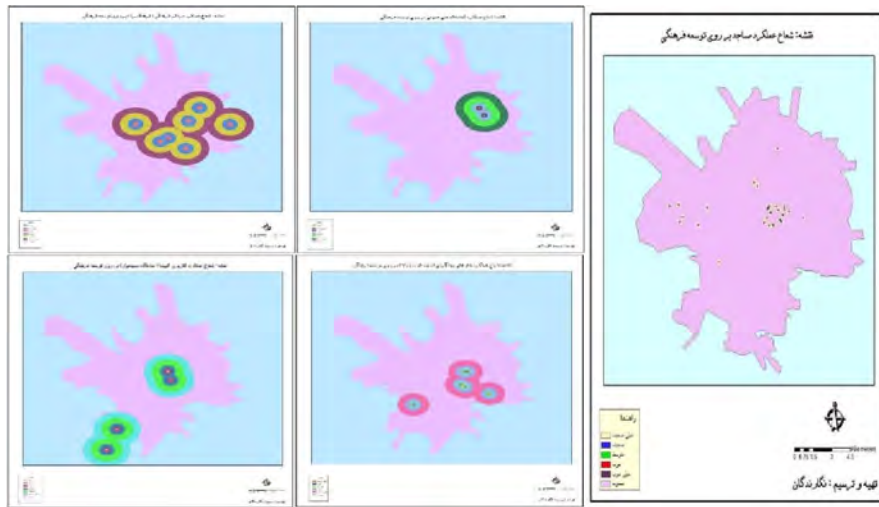
جدول ۱: شاخص‌ها و متغیرهای پژوهش مورد استفاده در نرم‌افزار Arc gis

شاخص‌های مؤثر در توسعه فرهنگی																																																																																																												
نام شاخص	فرهنگ‌سازها						ورزشی						مساجد						تاریخی						پارک		آموزشی																																																																																	
تعداد بستانک	1	2	3	4	5	6	1	2	3	4	5	6	1	2	3	4	5	6	1	2	3	4	5	6	1	2	3	4	5	6	1	2	3	4	5	6	1	2	3	4	5	6	1	2	3	4	5	6	1	2	3	4	5	6																																																						
تعداد بستانک عمیق	1	2	3	4	5	6	1	2	3	4	5	6	1	2	3	4	5	6	1	2	3	4	5	6	1	2	3	4	5	6	1	2	3	4	5	6	1	2	3	4	5	6	1	2	3	4	5	6	1	2	3	4	5	6	1	2	3	4	5	6	1	2	3	4	5	6	1	2	3	4	5	6	1	2	3	4	5	6																														
تعداد بستانک عمیق	1	2	3	4	5	6	1	2	3	4	5	6	1	2	3	4	5	6	1	2	3	4	5	6	1	2	3	4	5	6	1	2	3	4	5	6	1	2	3	4	5	6	1	2	3	4	5	6	1	2	3	4	5	6	1	2	3	4	5	6	1	2	3	4	5	6	1	2	3	4	5	6	1	2	3	4	5	6	1	2	3	4	5	6	1	2	3	4	5	6	1	2	3	4	5	6	1	2	3	4	5	6	1	2	3	4	5	6
موتور						کتابخانه‌های عمومی						کلیسا						سینما						دانشگاه		موتور																																																																																		
1	2	3	4	5	6	1	2	3	4	5	6	1	2	3	4	5	6	1	2	3	4	5	6	1	2	3	4	5	6	1	2	3	4	5	6	1	2	3	4	5	6	1	2	3	4	5	6	1	2	3	4	5	6	1	2	3	4	5	6	1	2	3	4	5	6																																											
1	2	3	4	5	6	1	2	3	4	5	6	1	2	3	4	5	6	1	2	3	4	5	6	1	2	3	4	5	6	1	2	3	4	5	6	1	2	3	4	5	6	1	2	3	4	5	6	1	2	3	4	5	6	1	2	3	4	5	6	1	2	3	4	5	6	1	2	3	4	5	6	1	2	3	4	5	6	1	2	3	4	5	6	1	2	3	4	5	6	1	2	3	4	5	6													

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۴



شکل ۴: (بالا، از راست به چپ) نقشه شعاع عملکرد پارک تفریحی فرهنگی، مراکز آموزشی، مراکز ورزشی (پایین، از راست به چپ) نقشه شعاع عملکرد مراکز سینما، دانشگاه‌ها، تاریخی  
مأخذ: ترسیم نگارندگان، ۱۳۹۴



شکل ۵: (بالا، از راست به چپ) نقشه شعاع عملکرد مراکز مذهبی (مساجد)، کتابخانه‌های عمومی، فرهنگسراها(پایین، از راست به چپ) نقشه شعاع عملکرد هتل‌های جهانگردی، مراکز مذهبی (کلیساها)

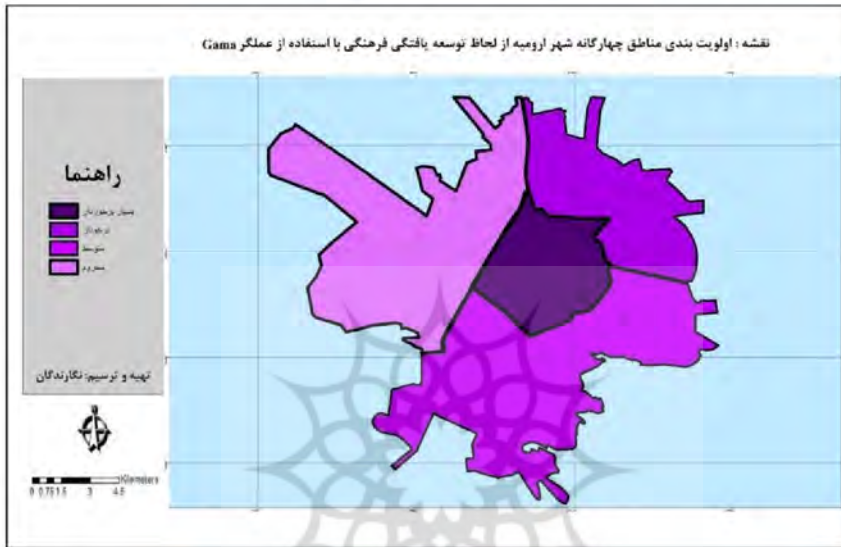
مأخذ: ترسیم نگارندگان، ۱۳۹۴

## یافته‌های پژوهش

شاخص‌های مطرح‌شده در شکل (۳) و همچنین جدول شماره (۱) نشان می‌دهد که بررسی پژوهش به دو صورت متفاوت شکل گرفته است. به طوری که بر اساس شکل (۳) برای سنجش میزان توسعه‌یافتگی فرهنگی مناطق مختلف شهر از ۱۶ گویه متفاوت و تأثیرگذار در ارتقا یافتن سطح فرهنگ ساکنان آن مناطق استفاده شده است. همچنین جدول شماره (۱) و گویه‌های مطرح‌شده در آن حاکی از میزان برخورداری مناطق مختلف شهری از کاربری‌های تأثیرگذار در ارتقای سطح فرهنگ یک منطقه می‌باشند. در مرحله تحلیل داده‌ها و اطلاعات پژوهش برای بررسی فرضیه نخست از نرم‌افزار Arc GIS استفاده شد. به طوری که نخست به ترسیم نقشه‌های مربوط به ۱۱ متغیر مورد استفاده در قالب شاخص‌های فرهنگی محدود مورد مطالعه و تشکیل پایگاه داده‌ها و ترسیم لایه‌های مربوط به هر کدام از متغیرهای ۱۱ گانه در قالب نرم‌افزار Arc GIS گردید، که خروجی آن به قبلاً نمایان داده شد. بعد از تهیه لایه‌های مربوط به معیارها و متغیرهای پژوهش که شامل ۱۱ لایه از شاخص‌های فرهنگی بودند، اقدام به فازی سازی لایه‌های با استفاده از جعبه تحلیلی (Fuzzy membership) در قالب نرم‌افزار Arc GIS شد، اما در ادامه بعد

از فازی سازی لایه‌ها اقدام به تحلیل لایه‌های پژوهش با استفاده از توابع و عملگرهای فازی گردید که ابتدا با استفاده از تابع Gama فازی اقدام ساخت نقشه مربوط مناطق پیشنهادی اولویت‌دار از لحاظ توسعه‌یافتگی فرهنگی شد. برای اعمال این عملگر بر روی لایه‌های ساخته‌شده از رابطه زیر استفاده‌شده است.

$$\mu^{combination} (Fuzzy Algebraic Sum)^\delta (Fuzzy Algebraic Product)^{1-\delta}$$



نقشه ۶: اولویت‌بندی مناطق چهارگانه شهر ارومیه از لحاظ توسعه‌یافتگی فرهنگی با استفاده از عملگر Fuzzy Algebraic Sum. مأخذ: ترسیم نگارندگان، ۱۳۹۴

با اعمال عملگر Fuzzy Algebraic Sum مشخص گردید که حد آستانه ۰/۷ یک سازگاری قابل‌انعطافی گرایش‌های افزایشی (Sum) و کاهششی (Product) در خروجی داده‌ها ایجاد می‌کند که نتیجه آن در شکل مشاهده می‌شود. نقشه منتج از عمل این عملگر مبین آن است که از بین مناطق مختلف شهر ارومیه، منطقه ۴ شهرداری به علت استقرار کمی تعداد زیادی از مراکز تأثیرگذار در توسعه فرهنگی و بالا رفتن اثرگذاری شعاع این مراکز، بر روی افراد ساکن در منطقه مزبور، یا به عبارتی دسترسی آسان ساکنین این منطقه به مراکز معرفی‌شده تأثیرگذار در توسعه فرهنگی، این منطقه از لحاظ توسعه‌یافتگی در سطح بسیار برخوردار قرار دارد و بعد از آن منطقه ۲ شهرداری در رتبه دوم از لحاظ برخورداری قرار گرفته و در این بین منطقه ۳ شهرداری از لحاظ برخورداری در سطح عقب‌افتاده و محروم محسوب می‌شود این در حالی است که طبق آخرین آمار منتشرشده از سوی درگاه

ملی آمار ایران این منطقه از شهر حدود یک‌سوم از کل جمعیت ساکن در شهر ارومیه را به خود اختصاص داده است. در ادامه برای اثبات همبستگی بین گوی‌ها آزمون پیرسون استفاده گردید که نتیجه آن در جدول نشان داده شده است.

جدول ۲: همبستگی میان گویه‌های نوگرایی و استفاده از وسایل ارتباط جمعی

		نوگرایی	وسایل ارتباط جمعی
گویه نوگرایی	آزمون پیرسون	۱	۰/۰۹۵
	Sig. (2-tailed)		۰/۰۰۰
	تعداد	۲۰۰	۲۰۰
گویه وسایل ارتباط جمعی	آزمون پیرسون	۰/۰۹۵	۱
	Sig. (2-tailed)	۰/۰۰۰	
	تعداد	۲۰۰	۱

SIG	درجه آزادی	مقدار T	فراوانی	انحراف استاندارد	میانگین	شاخص متغیر
۰/۰۰۰	۱۹۹	۱۲۴/۹۱۰	۲۰۰	۶/۹۱۰	۶۱/۰۳۵	میزان نوگرایی در مناطق مختلف شهر ارومیه
۰/۰۰۰	۱۹۹	۶۰/۸۳۴	۲۰۰	۴/۸۰۳	۲۰/۶۶۵	استفاده از وسایل ارتباط جمعی در مناطق مختلف شهر ارومیه

مأخذ: محاسبات نگارندگان، ۱۳۹۴

همان‌گونه که در جدول (۲) مشاهده می‌شود سطح معنی‌داری (Sig) کوچک‌تر از ۰/۰۵ می‌باشد (Sig = ۰/۰۰۰). می‌توان گفت که بین گویه‌های استفاده از وسایل ارتباط جمعی و بالا رفتن نوگرایی و تأثیر آن بر رشد و توسعه فرهنگی همبستگی درونی وجود دارد. همچنین در ادامه جهت مقایسه میانگین متغیر (نوگرایی و استفاده از وسایل ارتباط جمعی) با توجه به چهار منطقه موجود شهر از آزمون t و تحلیل واریانس استفاده

گردید. آزمون  $t$  یکی از آزمون‌های پارامتریک است. این آزمون برای ارزیابی یکسان بودن و یا یکسان نبودن میانگین نمونه با میانگین جامعه در حالتی بکار می‌رود که انحراف معیار جامعه مجهول باشد و یا محقق قصد داشته باشد میانگین‌های دو یا چند گروه مستقل را باهم مقایسه کند. همچنین از جمله شروط این آزمون وجود متغیر وابسته کمی (نسبی و فاصله‌ای می‌باشد). (افشانی، ۱۳۸۸: ۱۰۲). لذا جهت بررسی فرضیه دوم از آزمون  $t$  تک متغیره استفاده شد که نتایج حاصل در جدول بالا ذکر شده است. همان‌گونه که در جدول (۲) مشاهده می‌شود، مقدار  $t$  به دست آمده و سطح معنی‌دار متناظر با آن بیانگر معنی‌دار بودن تفاوت بین مناطق مختلف شهر از لحاظ استفاده از وسایل ارتباط جمعی و گرایش به نوگرایی است ( $Sig = 0/000$ ). یعنی بین میانگین استفاده از وسایل ارتباط جمعی و نوگرایی در بین مناطق چهارگانه شهرداری ارومیه تفاوت معنی‌داری وجود دارد. در ادامه جهت مشخص نمودن میزان تفاوت از لحاظ برخورداری شاخص فرهنگی در مناطق چهارگانه، از آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه جهت مقایسه میانگین متغیرهای (نوگرایی و وسایل ارتباط جمعی) برحسب مناطق مختلف استفاده شد که در جدول زیر ذکر شده است.

جدول ۳: آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه جهت مقایسه میانگین گرایش به نوگرایی

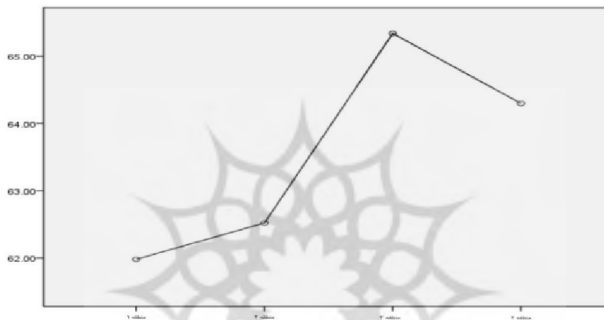
متغیر	منبع	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	مقدار F	SIG
گرایش به نوگرایی	بین گروهی	۳۶۴/۵۷	۳	۱۲۱/۵۲	۲/۵۴	۰/۰۵
	درون گروهی	۹۳۷۷/۱۸	۱۹۶	۴۷/۸۴		
	کل	۹۷۴۱/۷۵	۱۹۹			

مأخذ: محاسبات نگارندگان، ۱۳۹۴

همان‌گونه که در جدول (۳) مشاهده می‌شود، مقدار  $f$  به دست آمده و سطح معنی‌داری متناظر با آن، بیانگر معنی‌داری تفاوت بین مناطق مختلف شهر ارومیه از لحاظ استفاده از وسایل ارتباط جمعی در زمینه توسعه فرهنگی می‌باشد ( $F = 2/54$  و  $0/05 = Sig$ ). یعنی بین مناطق چهارگانه شهر ارومیه در زمینه گرایش به نوگرایی تفاوت معنی‌داری وجود دارد. در ادامه برای نشان دادن دقیق میزان تفاوت میان مناطق از لحاظ برخورداری از رسانه‌های گروهی و گرایش به نوگرایی آزمون توکی استفاده شد که نتیجه آن به صورت زیر نمایان گردید.

جدول ۴: مناطق اولویت‌دار از لحاظ گرایش به نوگرایی با استفاده از آزمون توکی

آزمون توکی		
مناطق	فراوانی	میزان آلفا = ۰/۰۵
		۱
منطقه ۱	۵۰	۶۱/۹۸
منطقه ۲	۵۰	۶۲/۵۲
منطقه ۴	۵۰	۶۴/۳۰
منطقه ۳	۵۰	۶۵/۳۴
Sig.		۰/۰۷۵
مأخذ: محاسبات نگارندگان، ۱۳۹۴		



نمودار ۷: نمودار مناطق اولویت‌دار از لحاظ گرایش به نوگرایی با استفاده از آزمون توکی  
مأخذ: محاسبات نگارندگان

طبق جدول (۴) می‌توان چنین نتیجه گرفت که از نظر گرایش به نوگرایی در بین مناطق مختلف شهری، منطقه سه شهرداری با میانگین ۶۵/۳۴ در رتبه نخست گرایش به نوگرایی قرار گرفته است. در حالی که منطقه یک شهرداری با میانگین ۶۱/۹۸ در رتبه چهارم و با گرایش بسیار کم به سمت نوگرایی از لحاظ توسعه فرهنگی در رده محروم قرار دارد.

جدول ۵: آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه جهت مقایسه میانگین استفاده از وسایل ارتباط جمعی

متغیر	منبع	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	مقدار F	SIG
استفاده از وسایل ارتباط جمعی	بین گروهی	۲۷۰/۰۵۵	۳	۹۰/۰۱۸	۳/۹۹۲	/۰۰۹۰
	درون گروهی	۴۴۱۹/۵۰۰	۱۹۶	۲۲/۵۴۸		
	کل	۴۶۸۹/۵۵۵	۱۹۹			

مأخذ: محاسبات نگارندگان، ۱۳۹۴



همان‌گونه که در جدول (۵) مشاهده می‌شود، مقدار  $f$  به دست آمده و سطح معنی‌داری متناظر با آن، بیانگر معنی‌داری تفاوت بین مناطق مختلف شهر ارومیه از لحاظ استفاده از وسایل ارتباط جمعی در زمینه توسعه فرهنگی می‌باشد ( $f = ۳/۹۹۲$  و  $f = ۰/۰۰۹$ ،  $Sig =$ ). یعنی بین مناطق چهارگانه شهر ارومیه در زمینه استفاده از وسایل ارتباط جمعی تفاوت معنی‌داری وجود دارد. طبق روال قبل، آزمون توکی را برای اثبات میزان تفاوت بین مناطق از لحاظ استفاده از وسایل ارتباط جمعی به کار می‌بریم.

جدول ۶: مناطق اولویت‌دار از لحاظ استفاده از وسایل ارتباط جمعی با استفاده از آزمون

### توکی

آزمون توکی			
مناطق	فراوانی	میزان آلفا = ۰/۰۵	
		۱	۲
منطقه ۲	۵۰	۲۱/۴۶۰	
منطقه ۱	۵۰	۲۲/۷۴۰	۲۲/۷۴۰
منطقه ۴	۵۰		۲۴/۰۸۰
منطقه ۳	۵۰		۲۴/۳۸۰
Sig.		۰/۵۳۴	۰/۳۱۳

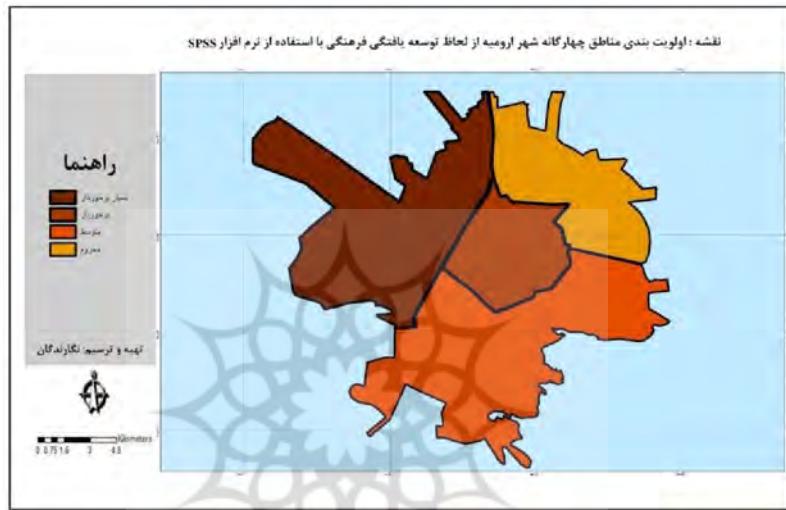
مأخذ: محاسبات نگارندگان، ۱۳۹۴



نمودار ۸: نمودار مناطق اولویت‌دار از لحاظ گرایش به نوگرایی با استفاده از آزمون توکی

مأخذ: محاسبات نگارندگان، ۱۳۹۴

همچنان که جدول شماره (۶) نشان می‌دهد از نظر استفاده از وسایل ارتباط جمعی به‌منظور رشد و توسعه فرهنگی، منطقه سه شهرداری ارومیه با میانگین  $24/38$  از لحاظ برخورداری در سطح بسیار برخوردار، منطقه چهار با میانگین  $24/08$  در سطح برخوردار، منطقه ۱ با میانگین  $22/74$  در سطح متوسط و منطقه ۲ شهرداری نیز با میانگین  $21/46$  در رتبه چهارم مناطق و از لحاظ برخورداری در سطح عقب‌افتاده و محروم قرار گرفته است، که با استفاده از نرم‌افزار Arc GIS نقشه سطوح توسعه‌یافتگی مناطق ترسیم شد.



نقشه ۹: اولویت‌بندی مناطق چهارگانه شهر ارومیه از لحاظ توسعه‌یافتگی فرهنگی با استفاده از نرم‌افزار Spss مأخذ: ترسیم نگارندگان، ۱۳۹۴

از شکل (۹) می‌توان چنین استنباط کرد که منطقه چهار شهرداری شهر ارومیه با وجود اماکن و تأسیسات و شاخص‌های فرهنگی بیشتر نسبت به دیگر مناطق به علت عوامل گوناگون از جمله همسوی بودن با مرکز تجاری شهر، و جدایی‌گزینی مردم از این منطقه به علت شلوغی و ترافیک و آلودگی بیشتر، در رتبه دوم از لحاظ توسعه‌یافتگی فرهنگی قرار گرفته است. و منطقه ۳ شهرداری در رتبه ۱ قرار گرفته است. بنابراین بررسی‌ها نشان می‌دهد بین میانگین استفاده از وسایل ارتباط جمعی و نوگرایی در بین مناطق چهارگانه شهرداری ارومیه تفاوت معنی‌داری وجود دارد لذا فرضیه دوم تأیید می‌شود. به بیان واضح‌تر بر اساس آنچه در شکل (۱) اصول توسعه فرهنگی نامیده شده است، دستیابی به این اصول سرچشمه توسعه فرهنگی می‌باشد. لذا اصول مطروحه را در دو قالب میزان دسترسی به شاخص‌های توسعه فرهنگی در نرم‌افزار Arc GIS و میزان

استفاده از وسایل ارتباط‌جمعی، نوگرایی، قانون مداری و... از نرم‌افزار SPSS استفاده شد. بررسی‌ها نشان داد مناطق مختلف شهر ارومیه از لحاظ دسترسی و برخورداری از منابع و وسایل تأثیرگذار در امر توسعه فرهنگی (مدارس، سینما، پارک‌ها، دانشگاه‌ها و...) دارای وضعیت مشابهی نبوده و بین مناطق تفاوت فاحشی وجود دارد شکل (۶). اما در ادامه برای مشخص نمودن میزان دقیق تأثیرگذاری این متغیرها و همچنین متغیرهایی از قبیل (قانون مداری، اعتقادات دینی، استفاده از تلویزیون، اینترنت و...) از ابزار نظرسنجی استفاده شد و نتایج نشان داد که گرایش به تفاوت‌های فرهنگی در مناطق مختلف شهر ارومیه به‌صورت دقیق قابل‌مشاهده می‌باشد. لذا هر دو فرضیه (۱) و (۲) تأیید می‌گردند.

### جمع‌بندی

گسترش مهاجرت، حاشیه‌نشینی، ترافیک، بزهکاری و جرائم اجتماعی بخشی از این مشکلات بود که همچنان بسیاری از مناطق شهری را رنج می‌دهد. راه‌حل‌های مختلف سیاسی، اقتصادی در طی سالیان دراز در کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه دنبال شد، اما همچنان مشکلات شهری باقی ماند. این مسئله توجه بعد فرهنگی شهر و توسعه را امروزه به خود جلب کرده و بیش از سه دهه است که به فرهنگ در توسعه شهرنشینی توجه بسیار می‌شود. و باعث شده به فرهنگ در کنار سایر ابعاد شهر توجه قابل‌ملاحظه‌ای صورت گیرد. بدین جهت نابرابری‌های فرهنگی پیامدهای بس ناگوار از نابرابری‌های اقتصادی دارد. بدین ترتیب مطالعه و مقایسه‌ی مناطق، سیستم‌ها و زیرسیستم‌های مربوط، مانند بررسی‌های تطبیقی مناطق مختلف یک شهر در ابعاد فرهنگی، می‌تواند برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران اقتصادی - اجتماعی را در اتخاذ تصمیمات و اجرای برنامه‌های مناسب در جهت کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای یاری رساند. بر این اساس، در این پژوهش با توجه به شاخص‌های فرهنگی موجود در هر منطقه از شهر، و همچنین با استفاده از اطلاعات میدانی (پرسشنامه)، به رتبه‌بندی مناطق مختلف شهر ارومیه پرداخته شد. نتایج حاصل از تحلیل Gama فازی نشان داد که با توجه به میزان دسترسی به اماکن ارتقادهنده سطح فرهنگ شهروندی، منطقه ۴ شهرداری دارای بالاترین سطح از برخورداری و منطقه ۳ شهرداری دارای پایین‌ترین سطح برخورداری از شاخص‌های مؤثر در ارتقای سطح فرهنگ جامعه می‌باشد. همچنین در ادامه برای مشخص سطح توسعه‌یافتگی فرهنگی ساکنین مناطق مختلف شهر ارومیه به‌صورت دقیق‌تر از ابزار پرسشنامه استفاده شد. نتایج به‌دست‌آمده از طریق پرسشنامه نشان داد که منطقه ۳

شهرداری با امتیاز ۲۴/۳۸ درصد رتبه نخست توسعه فرهنگی، منطقه ۴ با امتیاز ۲۴/۰۸ درصد رتبه دوم، منطقه ۱ با امتیاز ۲۲/۷۰ درصد رتبه سوم و منطقه ۲ با امتیاز ۲۱/۴۶ درصد رتبه چهارم از لحاظ توسعه یافتگی فرهنگی قرار گرفته‌اند. لذا از طریق مقایسه بین استقرار اماکن تأثیرگذار در توسعه فرهنگی و نظرسنجی فرهنگی مشخص شد که صرف داشتن شاخص‌ها و اماکن تأثیرگذار در رشد و توسعه فرهنگی در یک منطقه، دلیل بر توسعه یافتگی آن منطقه نمی‌باشد به صورتی که منطقه ۱ شهر ارومیه با برخورداری ضعیف از نظر اماکن تأثیرگذار دارای بالاترین سطح از توسعه فرهنگی در بین مناطق مختلف شهر ارومیه می‌باشد که می‌توان آن را ناشی از دلایلی از قبیل: مهاجرت اقوام گوناگون به این منطقه، برخورد فرهنگی بین ساکنین، گسترش بیش از حد این منطقه از شهر در ادوار گذشته و پذیرای جمعیت بیشتر از جمله قشر فرهنگی و باسواد. بر همین مبنای توجه به رهیافت تعادل و توازن و برنامه‌ریزی دقیق برای برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران فرهنگی امری بسیار ضروری و مهم در شهر ارومیه می‌باشد و در همین راستا می‌بایست اقدامات کشورهای گوناگون در امر ارتقای سطح فرهنگ (کشور ژاپن را که در سال ۱۹۶۸ با تأسیس امور فرهنگی، گام‌های مؤثری را در توسعه فرهنگی برداشت و از جمله مأموریت‌های منظور شده در سیاست‌های فرهنگی خود را؛ بهبود شرایط جشنواره‌های فرهنگی و هنری، افزایش کمک به فعالیت‌های گروه‌های فرهنگی، فراهم کردن مواد و تجهیزات فعالیت‌های هنری جوانان، کشف و پرورش استعدادهای هنرمندان جوان و بهبود اطلاع‌رسانی و تحقیقات فرهنگی قرار داد) به‌عنوان سرلوحه و مبنای برنامه‌ریزی‌ها قرار دهد.

### پیشنهادها

- بالا بردن سرانه کاربری کتابخانه عمومی و دیجیتالی کردن آن در مناطق ۱ و ۳ شهر ارومیه، با توجه به نتایج حاصل از نظرسنجی.
- افزایش دادن تعداد هتل‌های جهانگردی با توجه به اماکن تاریخی موجود (مناطق ۱ و ۲ و ۳ شهر ارومیه) و همچنین تشکیل NGOهای تخصصی مثل هتلداران و رستوران‌داران.
- انتقال دادن تعدادی از دانشگاه‌ها از منطقه دو شهری به مناطق ۱ و ۳ شهر ارومیه در جهت تعادل بخشی و ارتقای فرهنگی سطح این مناطق.

- بسترسازی و ارتقای فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT)، در مدارس و نوآوری در روش‌های تدریس در مراکز آموزشی سایر مناطق این شهر توسط سازمان‌های ذی‌ربط از جمله آموزش و پرورش و فناوری اطلاعات.
- ایجاد شهرک‌ها، بازارچه‌ها و فروشگاه‌های بزرگ و مدرن صنایع دستی در جهت شناخت بیشتر گردشگران از تاریخ این شهرستان.
- فضاهای فرهنگی شهر افزایش یابد و توزیع عادلانه این فضاها با توجه به نیازهای هر منطقه مدنظر قرار گیرد. در این زمینه کتابخانه‌ها، سالن‌های سینما و تئاتر، شهربازی‌ها و ... در ارومیه توزیع شود.
- اطلاع‌رسانی در زمینه فعالیت‌های فرهنگی شهرداری به‌ویژه در مورد فرهنگ‌سراها و توسعه فعالیت فرهنگ‌سراها در نقاط مختلف شهر با تأکید بر آموزش و نشاط شهروندی.



**منابع و مآخذ:**

۱. احمدی، ب. دادگر، م. ربیعی، س. ۱۳۹۳. سطح‌بندی میزان توسعه‌یافتگی استان‌های کشور بر مبنای شاخص‌های حمل‌ونقل جاده‌ای با استفاده از تلفیق تکنیک‌های AHP و Topsis، فصلنامه آمایش محیط ملایر، ۸(۲۹): ۷۵-۹۸.
۲. افروغ، ع. ۱۳۷۹. فرهنگ شناسی و حقوق فرهنگی، انتشارات مؤسسه فرهنگ و دانش، چاپ اول، تهران.
۳. افشانی، ع. ۱۳۸۸. آموزش کاربرد SPSS در علوم اجتماعی و رفتاری، انتشارات دانشگاه یزد، چاپ دوم، یزد.
۴. اکبریان، ر. ۱۳۸۶. بررسی نقش فرهنگ در اقتصاد، ماهنامه مهندسی فرهنگی، سال دوم، ۵(۱۲): ۲۴-۳۲.
۵. ایزدی، م. محمدی، ج. ۱۳۹۱. رتبه‌بندی مناطق شهر اصفهان از لحاظ شاخص‌های فرهنگی بر اساس تصمیم‌گیری چند شاخصه، فصلنامه رفاه اجتماعی، ۱۲(۴۴): ۱۷۵-۱۹۸.
۶. تودارو، م. ۱۳۶۷. توسعه اقتصادی در جهان سوم، ترجمه غلامعلی فرجادی، نشر مؤسسه عالی پژوهش در برنامه‌ریزی و توسعه، چاپ دوم، تهران.
۷. حاتمی نژاد، ح. نوذری، س. ۱۳۸۵. دیدگاه جغرافیای فرهنگی و شهر، مجله سپهر، دوره پانزدهم، ۱۵(۵۹): ۱۰-۱۴.
۸. رحمتی، ص. تقوایی، م. ۱۳۸۵. تحلیل شاخص‌های توسعه فرهنگی استان‌های کشور. مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، ۴(۷): ۱۱۷-۱۳۲.
۹. رستگار، م. ص. ۱۳۸۹. تحلیل فضایی درجه توسعه‌یافتگی سکونت‌گاه‌های روستایی (شهرستان زرین‌دشت)، پایان‌نامه کارشناسی رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه اصفهان.
۱۰. زنگی‌آبادی، ع. ۱۳۷۸. تحلیل و سازمان‌دهی ساختار فضایی شاخص‌های توسعه شهری در شهرهای بالای صد هزار نفر، رساله دکتری، دانشگاه اصفهان.

۱۱. زیاری، ک. ۱۳۷۹. سنجش درجه توسعه‌یافتگی فرهنگی استان‌های ایران، نامه علوم اجتماعی، ۸(۱۶): ۹۱-۱۰۴.
۱۲. صفی، س. نظریان، ا. ۱۳۹۳. نقش ساختار مدیریت شهری در توسعه فرهنگ شهر و شهرنشینی (مطالعه موردی: شهر همدان)، فصلنامه آمایش محیط، ۸(۲۹): ۷۴-۵۱.
۱۳. ضرابی، ا. ایزدی، م. ابوالحسنی، ف. ۱۳۹۱. تعیین میزان برخورداری مناطق شهری اصفهان از شاخص فرهنگی، مجله تحقیقات جغرافیایی، ۲۷(۳): ۶۴-۴۵.
۱۴. شاد، ر. عبادی، ح. سعدی مسگری، م. وفائی نژاد، ع. ر. ۱۳۸۸. طراحی و اجرای GIS کاربردی جهت مکان‌یابی شهرک صنعتی با استفاده از مدل‌های فازی و وزن‌های نشان‌گر و ژنتیک، نشریه دانشکده فنی دانشگاه تهران، ۴۳(۳): ۴۱۷-۴۲۹.
۱۵. فاضل نیا، غ. توکلی، م. تاج‌بخش، ک. ۱۳۸۹. ارزیابی برنامه‌های توسعه فرهنگی در مناطق روستایی بخش مرکزی شهرستان رستم، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، ۳(۳): ۱۴۹-۱۷۷.
۱۶. فنی، ز. ۱۳۸۸. بررسی ابعادی از تحولات فرهنگی شهر (مطالعه موردی: مناطق ۱ و ۱۲ شهر تهران)، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیای انسانی، ۴۲(۶۸): ۳۷-۵۴.
۱۷. لطفی، ح. رشیدی، م. ۱۳۹۳. تحلیل و رتبه‌بندی استان‌های کشور ایران از نظر ظرفیت‌های راهبردی سرزمینی، فصلنامه آمایش محیط، ۷(۲۷): ۱۴۴-۱۶۵.
۱۸. لطیفی، غ. ۱۳۸۳. نقش و اهمیت توسعه فرهنگی در توسعه پایدار شهری، مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی شماره ۱۹۹
۱۹. مامفورد، ل. ۱۳۹۳. فرهنگ شهری، ترجمه میثم پایی مطلق، انتشارات کتاب سبز.
۲۰. مشکینی، ا. قاسمی، ا. ۱۳۹۱. سطح‌بندی شهرستان‌های استان زنجان بر اساس شاخص‌های توسعه فرهنگی با استفاده از مدل Topsis، فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، ۲(۷): ۱-۱۱.
۲۱. مولایی، م. ۱۳۸۶. مقایسه درجه توسعه‌یافتگی بخش خدمات و رفاه اجتماعی استان‌های ایران طی سال‌های ۱۳۷۳ تا ۱۳۸۳، فصلنامه رفاه اجتماعی، ۶(۲۴): ۲۴۱-۲۵۸.

۲۲. مهندسان مشاور طرح و آمایش. ۱۳۹۲. طرح جامع شهر ارومیه

۲۳. مرکز آمار ایران: [www.amar.org.ir](http://www.amar.org.ir)

24. Gasratian, K. (2004). "Problems of Cultural Development in Russia," *Russian Social Science Review*. 45(5): 28-43.
25. McCann, E. J. (2002): *The Cultural Politics of Local Economic Development: Meaning Making, Place-Making, and The Urban Policy Process*, *Geoforum*, 37(333): 385-398
26. Rosenstein, Carole (2011): *Cultural development and city neighborhoods*, *City, Culture and Society* 1(2): 9-15.
27. United Nations, (2006): *social justice in an open world, The Role of the United Nations*
28. Varbanova, L. (2007). *Our Creative Cities Online*. In. B. Cvjeticanin (Ed.). *Cultural Transitions in Southeastern Europe: The Creative City: Crossing Visions and New Realities in the Region*. UNESCO Press.

